



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی
مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی
با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



خردمندی و اندیشه‌گرایی برای پیشرفت و توسعه

Wisdom and Thinking-Orientation
For progress and development

محمد ناظم

کارشناس ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشگاه آزاد اصفهان

nazembox@gmail.com

Instagram: @noandishy

چکیده

عقلانیت و خردمندی، از موضوعات مطرح و مطلوب برای عموم افراد و جوامع بوده و در قرن بیست و یکم نیز مورد توجه خاص و علمی قرار گرفته است. در این مقاله نگاهی به موضوع خردمندی در جامعه ایران از گذشته تا کنون داشته و به برخی تعاریف نوین نیز اشاره خواهیم کرد. سپس به بررسی موضوع اندیشه‌گرایی پرداخته و الگوی خاصی برای آن معرفی می‌کنیم که شامل چهار نوع تفکر مهم و پرسشگری است. این الگوی فکری همراه با کاربردهای آموزشی آن، چهارچوب نوینی را برای رشد و توسعه فکری افراد و تفکر خردمندانه ارائه می‌دهد، چیزی که لازمه پیشرفت افراد و توسعه جامعه در زمینه‌های مختلف است.

واژه‌های کلیدی: عقلانیت، خردگرایی، خرد ایرانی، الگوی فکری، تفکر خلاق و تحلیلی

Keywords; Rationality, rationalism, Iranian wisdom, thinking model, creative and analytical thinking



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



۱. مقدمه

رشد و توسعه فکری در سطوح مختلف جامعه، لازمه پیشرفت و توسعه پایدار آن است. منظور از توسعه پایدار، پیشرفت و توسعه‌ای است که به منابع و منافع نسل فردای جامعه آسیب نزند و قابل دوام باشند. به بیان دیگر برای اینکه یک جامعه بتواند به پیشرفت مناسب در سطوح روئین و مشهود (اقتصادی، علمی، صنعتی...) برسد، باید به پیشرفت مناسب در لایه‌های زیرین و نامشهود (فکری، فرهنگی) توجه موثر و گسترده داشته باشد. در غیر اینصورت دچار ضعف کارایی و کمبود گسترده بهره‌وری در ساختارهای مختلف خود شده و نه تنها به توسعه مطلوب و پایدار نمی‌رسد، بلکه منابع طبیعی و انسانی خود را هم دچار مشکلات مختلف خواهد کرد.

از معروف‌ترین و مهم‌ترین ابعاد رشد و توسعه فکری، عقلانیت و خردمندی است. هر چند در گفتارهای عمومی ممکن است این دو به‌صورت معادل یا مترادف به‌کار روند، اما خردمندی مفهوم گسترده‌تری دارد. از نظر عرفی، یک شخص عاقل یا دارای عقلانیت، کسی است که معمولاً در کار و زندگی خود، رفتار و گفتار منطقی را در پیش می‌گیرد. از نگاه دقیق‌تر می‌توان سطوح مختلفی برای عقلانیت افراد در نظر گرفت؛ مانند عقل معاش (عقلانیت لازم برای زندگی روزمره)، عقل ابزاری (عقلانیت مناسب برای انتخاب ابزار و روش‌های مناسب)، عقل نظری (عقلانیت مناسب برای انتخاب اهداف مناسب)، که در این حالت عقلانیت به خردمندی نزدیک‌تر می‌شود. در ادبیات ایران، تفاوت‌های مفهومی مختلفی بین عقلانیت و خردمندی قابل مشاهده است. به‌طور نمونه فردوسی به عنوان یک شاعر خردگرای قرن چهارم هجری شمس، خرد را به عنوان راهنما، روحیه بخش و یاور دو دنیا توصیف می‌کند [۴]:

خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای

شاعران دیگری هم به عقلانیت و خردمندی توجه داشته و البته گاهی نیز موضوع را از نگاه دیگری می‌دیدند. در هر صورت و به‌طور کلی، مفهوم خرد و خردمندی در ایران ارتباط بیشتری با ادبیات دارد ولی در غرب و به‌ویژه تا قبل از قرن بیستم میلادی، به فلسفه نزدیک‌تر است. به همین دلیل برخی کارشناسان از اصطلاح "خرد ایرانی" استفاده می‌کنند تا نشان‌دهنده برخی ویژگی‌های خاص مفهوم خرد در ایران، نسبت به سایر نقاط دنیا باشد. اشتراکات یا تفاوت‌های خرد ایرانی با مفهوم آن در سایر نقاط دنیا جای بررسی خود را دارد، اما به‌طور کلی می‌توان گفت که یک ویژگی خرد ایرانی، همراهی عقلانیت (در سطوح بالا) با ارزش‌های اخلاقی یا انسانی است. البته خواهیم دید که در دیدگاه‌های نوین و علمی روانشناسانه هم به این ابعاد خردمندی توجه شده است. به بیان دیگر، شباهت زیادی بین مفاهیم نوین و علمی تعریف شده برای خردمندی در قرن بیست یکم، با برخی مفاهیم دیرینه‌ی موجود در خرد ایرانی وجود دارد.

۱.۱. نگاهی تاریخی به تفکر و اندیشه در ایران

لازمه‌ی عقلانیت و خردمندی، رشد فکری است و معروف‌ترین شکل توجه به تفکر و اندیشه در ایران باستان را می‌توان در چیکده آموزه‌های زرتشت (گفتار نیک، اندیشه نیک، کردار نیک) مشاهده کرد. البته در برخی متون فارسی و شاید به دلایلی مانند حفظ وزن کلمات، از واژه‌ی پندار به‌جای اندیشه استفاده می‌شود؛ اما باید توجه داشت که اندیشه، مفهومی بالاتر از پندار دارد. امروزه واژه‌ی پندار؛ به معنای گمانه‌ها، خیالات، تصورات یا نظراتی است که پشتوانه‌ی منطقی، علمی یا واقعی ندارند و در شرایط بدتر، می‌توانند به اوهم برسند. در صورتی که واژه‌ی اندیشه؛ می‌تواند چند نوع تفکر را شامل شود یا به نظراتی اشاره کند که دارای پشتوانه‌ی منطقی، علمی یا تجربی هستند. به بیان دیگر، اندیشه‌گرایی را باید فراتر از پندارگرایی یا در مقابل آن بدانیم [۶]. یک دوره رشد تاریخی در زمینه‌ی رشد علمی و فکری ایران، در حدود قرن چهارم تا پنجم هجری شمس رخ داد و این نیز به علل مختلفی مانند حمایت حاکمان وقت، ارتباط با منابع فلسفه یونانی و ترجمه آن‌ها، اثرات فعالیت مراکز آموزشی قبلی مانند دانشگاه جندی شاپور (تاسیس از زمان ساسانیان) و سپس مدارس نظامیه بود که در زمان سلجوقیان و توسط خواجه نظام الملک تاسیس گردید. در همین دوران بود که شاعران، حکیمان و فلاسفه‌ای مانند فردوسی، خیام، ابوعلی سینا، ذکریای رازی، فارابی و... امکان رشد یافتند که بی‌نظیر یا کم‌نظیر بودند.



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



اما از اواخر قرن پنجم هجری، به دلیل برخی مشکلات حاکمیتی، اجتماعی و مخالفت عملی و نظری با آموزش فلسفه در مدارس نظامیه در دوران مسئولیت محمد غزالی، محیط آموزشی لازم برای رشد فکری و علوم عقلی در جامعه از میان رفت. وقتی که تفکر منطقی و عقلانی در جامعه ضعیف شود، عقاید غیر منطقی و غیر عقلانی جای رشد پیدا می‌کنند. در اینحالت اوهم بجای واقعیت، ادعاهای بی اساس بجای استدلال و بطور کلی، پندارها به جای اندیشه‌ها رایج می‌شوند و اینگونه هم شد... اگر در این میان افراد معدودی نیز صاحب نظر در علوم و فلسفه رشد می‌یافتند، با مخالفت‌ها یا تکفیر ناشی از باورهای نابخردانه مواجه می‌شدند. باید توجه داشت که اهل فلسفه در زمان قدیم، به دیگر علوم مانند علوم طبیعی و ریاضی هم مشغول بودند و نفی فلسفه و فلاسفه، در نهایت باعث جمود فکری و علمی جامعه شد. هر چند بعداً و به‌ویژه از قرن ششم تا هشتم هجری برخی شاعران متفکر سعی کردند با نوعی تفکر ادبی و عرفانی از جمود فکری جامعه بکاهند، اما این نوع تفکر هم به ناچار باید در قالب مضامینی دیگر و همراه با ابهام و ایهام مطرح می‌شد و نمی‌توانست جایگزین تفکر فلسفی یا منطقی و استدلال لازم برای کاربردهای علمی گردد. در مجموع چنین مشکلاتی باعث شد که ایران پس از قرن پنجم هجری شمس، از دوران رشد تاریخی به دوران افول تاریخی در زمینه رشد فکری و علمی برسد.

محمد میرسنده در تحقیقی با عنوان «کمیابی تفکر انتقادی در پیشینه فرهنگی ایران»، این‌گونه بیان می‌کند که با وجود مقداری فراز و نشیب، جامعه ایران در مجموع دچار نوعی ضعف تاریخی در زمینه تفکر انتقادی و خردورزی بوده است [۵]. مشاهدات تحلیلی و تحقیقات دانشگاهی مختلف در مورد وضعیت امروز نیز نشان‌دهنده تداوم چنین وضعی در مقاطع مختلف تحصیلی است. باقری و بیرجندی در تحقیقی با عنوان «جایگاه تفکر نقادانه در نظام آموزشی ایران»، به این نتیجه رسیدند که سیستم آموزشی ایران عملکرد ضعیفی در پرورش تفکر انتقادی دارد و بین میانگین تفکر انتقادی افراد داری مدرک دیپلم تا سطوح بالاتر مانند دکترا، تفاوت معناداری وجود ندارد [۳]. روشن است که ضعف عقلانیت و خردمندی به‌ویژه در مسئولیت‌های مدیریتی عواقب گسترده‌تری برای جامعه دارد. اما در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چرا ایران با وجود برخی سوابق تاریخی شاخص در زمینه رشد فکری و علمی، همچنان و در قرن بیست و یکم نتوانسته به جایگاه مطلوب و متناسب با پتانسیل خود در این زمینه برسد؟

چنین مشکلی دلایل مختلفی دارد و یکی از دلایل اصلی آن، فقدان راهکارها و روش‌های عملی مناسب برای رشد تفکر و عقلانیت یا خردمندی بوده است. چون رشد تفکر و خرد اجتماعی صرفاً از طریق طرح مفاهیم فلسفی، توصیف‌های ادبی یا نصایح اخلاقی توسط چند نفر مقدور نیست و نیازمند آموزش‌های مناسب و گسترده برای رشد فکری در سطوح مختلف جامعه است. اما تاکنون جامعه ایران فاقد روش‌مندی و نظام آموزشی مناسب برای رشد و توسعه فکری بوده و حتی برخلاف آن هم عمل شده است. هرچند تحصیلات رسمی برای خردمندی کافی نیست؛ اما انتظار می‌رود که افراد در دوران تحصیل، حداقل با اصول اولیه یا عناصری از تفکر خردمندانه آشنا شوند تا آمادگی لازم برای حرکت در این مسیر را بیابند. در صورتی که ساختارهای آموزشی سنتی دچار مشکلات اساسی مانند توجه به باورمندی به جای خردمندی و اطلاعات‌گرایی به جای اندیشه‌گرایی هستند. به طور کلی در ساختارهای آموزشی سنتی به جای آن که اطلاعات در خدمت اندیشه باشند، اندیشه در خدمت اطلاعات است؛ آن هم اطلاعاتی که برای دنیای امروز کارایی یا مناسبت ندارند [۶].

۲.۱. تعاریف نوین خردمندی

قبلاً اشاره شد که موضوع خرد و خردمندی، قدمتی دیرینه در مباحث فلسفه و ادبیات دارد، اما از اواخر قرن بیستم میلادی بود که مورد توجه برخی روانشناسان قرار گرفت و بر روی آن کار علمی انجام شد. در واقع می‌توان توجه علمی به موضوع خردمندی را یک پدیده نوین مربوط به قرن بیست و یکم دانست که منتج به مفهوم‌سازی و تدوین مدل‌هایی برای خردمندی گردید. یک نمونه مطرح در این زمینه، مدل سه بعدی خردمندی آردلت^۲ است [۱۰]. در این زمینه نظریات دیگری مانند نظریه تعادل خردمندی استرنبرگ [۱۱] و پارادایم خردمندی برلین^۴ نیز قابل بررسی هستند [۱۲].

² Monika Ardel, Three-Dimensional Wisdom Model

³ Robert Sternberg, Balance Theory of Wisdom

⁴ Berlin Wisdom Paradigm



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



جدول ۱. نمونه مفاهیمی از مدل سه بعدی خردمندی، آردلت

ابعاد	شناختی cognitive	بازتابی reflective	عاطفی affective
مفاهیم	دانش و فهم، توانایی استدلال و نقادی، خلاقیت و حل مسئله ...	خودآگاهی و خود تنظیمی، مدیریت احساس و هیجان، مسئولیت پذیری ...	مهارت‌های اجتماعی، تعامل مناسب با دیگران، همدلی و مهربانی ...
نگرش	بیرونی	درونی	اجتماعی

۳.۱. ارزیابی و رشد خردمندی

اگرچه بیان توصیفی جامع و مورد توافق همگانی برای خردمندی مقدور نشده است، اما به هر حال نوعی توافق عمومی در این زمینه وجود دارد که خردمندی را باید بالاترین سطح رشد فکری و شخصیتی افراد دانست. منظور از خصوصیات شخصیتی، خصوصیات نسبتاً پایداری هستند که به طور معمول در افکار، گفتار یا رفتار افراد وجود دارند یا به طریقی قابل مشاهده هستند. این قابلیت مشاهده ممکن است به طور مستقیم یا غیرمستقیم باشد. برخی کارشناسان، روش‌ها یا آزمون‌هایی را برای ارزیابی خردمندی ارائه کرده‌اند (مانند مقیاس سه بعدی خردمندی 3D-WS) یا روش‌های دیگر [۲]، اما کارشناسان دیگری مانند استرنبرگ [۱] ارزیابی خردمندی را پیچیده‌تر از این‌گونه روش‌های پرسشنامه‌ای می‌دانند. چنین مشکلاتی در زمینه رشد خردمندی افراد نیز وجود دارد. همانطور که خردمندی دارای ابعاد مختلف و پیچیده‌ای است، رشد آن نیز پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و از طریق روش‌های کلاسیک مانند گذراندن دروسی خاص مقدور نیست. برای رشد خردمندی، روش‌هایی مختلفی پیشنهاد شده که با وجود برخی تفاوت‌ها، در یک موضوع اشتراک نظر وجود دارد و آن نیاز به رشد و توسعه فکری در ابعاد مختلف است. برای مثال، استرنبرگ [۶] پیشنهاد می‌کند که برای پرورش خردمندی می‌توان مهارت‌های خاص و شیوه‌های تفکر را به عنوان پیش‌نیاز یا اجزای خردمندی در برنامه‌های درسی گنجاند. اما این کار در طولانی‌مدت و در یک ساختار آموزشی پیشرفته مقدور است. مهارت‌های خاص (مانند برخی مهارت‌های زندگی) جای بررسی مستقل خود را دارند، ولی موضوع اصلی گفتار ما در اینجا، شیوه‌های تفکر و اندیشیدن است.

۴.۱. خردمندی به عنوان هدف آموزشی و تربیتی

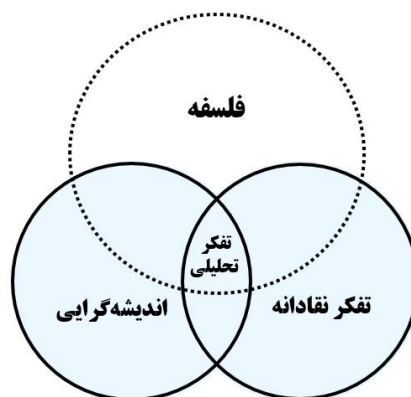
در قرن بیستم میلادی، نظریات مختلف آموزشی و تربیتی مطرح شدند که هر یک مزایا و محدودیت‌های خاص خود را داشتند. امروزه می‌توان مجموعه‌ای از مزایای مربوطه را در مفاهیم و ابعاد نوین خردمندی خلاصه کرد. یک مسئله مهم این است که همه اقوام یا افراد با عقاید آیینی مختلف، در اهمیت و ضرورت توجه خردمندی اشتراک نظر دارند و این می‌تواند محور وفاق یا کانون ارتباط آن‌ها باشد. به طور خلاصه با گذر زمان و پیچیده‌تر شدن مباحث تربیتی و اجتماعی و از سوی دیگر ناکارایی یا نارسایی رویکردهای رایج یا سنتی تربیتی به نیازهای روز، اهمیت توجه به رشد خرد افراد به عنوان بالاترین سطح رشد فکری و شخصیتی زیاده‌تر شده است. خوشبختانه و همانطور که قبلاً اشاره شد که برخی مفاهیم خردمندی در ادبیات کهن ایران (مانند عقلانیت+انسانیت...)، با تعاریف نوین خردمندی شباهت دارد. بنابراین می‌توانیم رشد خرد انسانی را به عنوان یکی از اهداف عمومی آموزشی (یا توسعه فردی برای سنین بالاتر) در نظر گرفته و برای آن اقدام کنیم. در این راستا می‌توان در دوران تحصیل، اصول و مهارت‌های فکری لازم برای حرکت بهتر در این مسیر را بطور ضمنی و تدریجی به افراد آموزش داد. البته نمی‌توان انتظار داشت که همه افراد به سطح مطلوبی از خردمندی برسند، اهداف تخصصی آموزشی در رشته یا مقاطع مختلف آموزشی هم جایگاه خود را دارند، اما به هر حال رشد تفکر خردمندانانه تا هر میزان مقدور، برای افراد و جامعه ارزشمند است.

اگر سیستم آموزشی یک جامعه نتواند پاسخگوی چنین نیازی باشد، شخصی‌سازی آموزش‌ها به صورتی که رشد فکری لازم را ایجاد کنند به عنوان یک راه‌حل جبرانی مقدور است. اما این کار هم نیازمند نوعی چهارچوب فکری و آموزشی است، در غیر این صورت افراد یا خانواده‌ها دچار نوعی سرگردانی در انتخاب اهداف یا روش‌ها خواهند شد. خواهیم دید که اندیشه‌گرایی و الگوی فکری مربوطه به عنوان یک چهارچوب نظری و عملی در این راستا قابل استفاده هستند [۸].

۲. رویکردهای مختلف رشد و توسعه فکری

تاکنون به توصیف خردمندی و اهمیت آن اشاره کردیم و در ادامه به چگونگی رشد و توسعه فکری لازم در این زمینه می‌پردازیم. قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین رویکرد فکری برای توسعه فکری و عقلانی، فلسفه است. اما همین گستردگی مباحث و نظریات مختلف فلسفی همراه با ماهیت انتزاعی مباحث، استفاده از این رویکرد را برای افراد خاصی مقدور می‌سازد. به بیان دیگر، مباحث فلسفی گسترده‌تر از آن است که عموم افراد یا حتی اغلب تحصیل‌کردگان بتوانند با آن ارتباط موثری یافته یا به کار ببرند.

از اوایل قرن بیستم؛ تفکر نقادانه یا انتقادی^۵ از مفاهیمی انتزاعی در مباحث فلسفی فاصله گرفت و از طریق تعریف برخی مولفه‌ها یا مدل‌ها، به عنوان نوعی تفکر مستقل و کاربردی مطرح گردید تا فراگیری آن به طور مستقل مقدور باشد. تفکر نقادانه امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین انواع تفکر مورد توجه قرار گرفته و از طرف سازمان‌هایی مانند بهداشت جهانی، به عنوان یکی از مهارت‌های مهم زندگی معرفی شده است. تفکر نقادانه نقش موثری در رشد عقلانیت افراد دارد و اگرچه به تنهایی برای خردمندی کافی نیست، اما راه موثری برای حرکت در این مسیر و نزدیک شدن به آن است. البته این نوع تفکر مانند نوعی زبان تفکر سطح بالا است که یادگیری مهارت‌های آن در طول زمان و با تمرینات مستمر مقدور است. بهترین حالت این است که تفکر نقادانه، به تدریج و همزمان با تحصیلات آموخته شود. اما چنین امکانی در جوامع توسعه نیافته و سیستم آموزشی ما وجود ندارد. از طرفی فراگیری برخی مفاهیم ذهنی تفکر نقادانه برای سنین پایین یا به طور کلی برخی افراد، مقدور نیست یا خیلی مشکل است. با توجه به چنین مشکلاتی نیاز به راه‌حل‌هایی مدون و منسجم برای رشد و توسعه فکری به خصوص برای شرایط اجتماعی و آموزشی جوامعی مانند ما احساس می‌شود، به گونه‌ای که امکان کاربرد شخصی آن برای رشد و توسعه فکری عموم افراد وجود داشته باشد. بر این اساس و با توجه به تحقیقات قبلی نگارنده، موضوع اندیشه‌گرایی و الگوی فکری مربوطه مطرح گردید که در ادامه با خلاصه آن‌ها آشنا می‌شویم [۷].

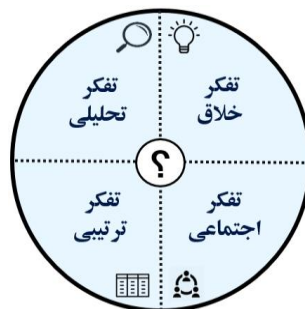


شکل ۱. چند رویکرد فکری برای رشد و توسعه فکری

۱.۲. اندیشه گرایی و الگوی چهار ربعی آن

واژه اندیشه گرایی مفهوم عمومی گرایش به تفکر و اندیشه را می‌رساند و یک توصیف کلی از اندیشه گرایی، توجه به تفکر در ابعاد مختلف یا چند نوع تفکر است. اما چنین توصیفی بسیار کلی یا مفهومی بوده و صرفاً نشان دهنده نوعی رویکرد فکری است و ممکن است در مقابل کلماتی مانند پندارگرایی (گرایش به باورهای بی اساس یا گمانه ها) معنایی نسبی پیدا کند. بنابراین و برای کاربردی شدن موضوع، باید مولفه‌ها یا الگوی مشخصی را برای اندیشه گرایی در نظر بگیریم. در این راستا یک الگوی فکری شامل چهار صفت شخصیتی و چهار تفکر مربوطه، همراه توجه خاص به پرسشگری را مطرح خواهیم کرد:

از نگاه بیرونی؛ در این الگو به چهار خصوصیت یا صفت شخصیتی (خلاقیت، عقلانیت، انسانیت، مدیریت) و پرسشگری به عنوان اهداف عمومی توجه می‌شود.^۶ همین تعریف مختصر، برای آشنایی مقدماتی با این الگو و اهداف عمومی آن پاسخگوست. از نگاه درونی؛ تمرکز اصلی این الگو بر چهار نوع تفکر (تفکر خلاق، تحلیلی، اجتماعی، ترتیبی یا منضبط) و پرسشگری است که مرتبط با اهداف عمومی الگو بوده و موضوع اصلی گفتار ما هستند. این الگوی فکری در قالب یک شکل چهار ربعی قابل نمایش است:



شکل ۲. الگوی فکری چهار ربعی برای اندیشه گرایی

این چهار تفکر و چیدمان آن‌ها در شکل، با توجه به مدل چهار ربعی مغز^۸ و اهمیت کاربردی آن‌ها در زمینه‌های مختلف کار و زندگی، یا تحصیل انتخاب شده‌اند. علامت پرسش در مرکز شکل نیز به عنوان نماد پرسش و پرسشگری و اهمیت محوری آن برای شروع هر نوع تفکر استفاده شده است. همچنین باید توجه داشت که چهار تفکر این الگو صرفاً مولفه‌های اصلی الگو را به طور مستقل نمایش می‌دهند؛ اما می‌توانند همانند رنگ‌های اصلی عمل کرده و در ترکیب یا تعامل با یکدیگر، کارکردهای دیگری مانند حل مسئله و تصمیم‌گیری را ارائه داده یا موارد دیگری را پوشش دهند:

- تفکر خلاق: لازمه خلاقیت و نوآوری، برای حل مسائل و پیشرفت در زمینه‌های مختلف
- تفکر تحلیلی: لازمه عقلانیت و تفکر نقادانه، کاربردهای گسترده تحصیلی و شغلی یا مدیریتی
- تفکر اجتماعی: لازمه انسانیت و تعاملات مناسب با دیگران، زیربنای همکاری با دیگران
- تفکر ترتیبی یا منضبط: لازمه مدیریت رفتاری و گفتاری یا احساسات، زیربنای نظم و ترتیب فعالیت‌ها

^۶ برای واژه اندیشه گرایی می‌توانیم معادل انگلیسی Thinking-Oriented یا Thought-Oriented را در نظر بگیریم. در این زمینه کلماتی مانند Rationalism, Idealism نیز استفاده می‌شوند، ولی آن‌ها بیشتر به آرمان گرایی یا عقل گرایی مربوط هستند و اندیشه گرایی مورد نظر ما مفهومی متفاوت دارد.

^۷ برای صفات شخصیتی نامبرده می‌توان تعاریف یا سطوح مختلفی را در نظر گرفت، اما در اینجا به همان برداشت رایج و عرفی از آن‌ها اکتفا می‌کنیم. فقط به این نکته اکتفا می‌کنیم که منظور از مدیریت در این قسمت، مدیریت گفتار و رفتار یا احساسات شخصی است. می‌توان اهداف تخصصی متناسب با نیاز کاربران هم برای الگو تعریف کرد.

^۸ Four quadrant Brain Model, Ned Herrmann

۲.۲. مقایسه تفکر نقادانه و اندیشه‌گرایی

با توجه به مولفه‌ها یا عناصر مطرح برای تفکر نقاد و اندیشه‌گرایی؛ می‌توان دریافت که هر دو به رشد تفکر خردمندانه کمک موثری می‌کنند و یک حالت بهتر، استفاده از هر دو است. به این صورت که برای شروع و به‌خاطر جامعیت و قابلیت کاربردی الگوی اندیشه‌گرایی برای سنین مختلف یا محیط‌های گوناگون، از الگوی فکری مربوطه (شامل چهار تفکر خلاق، تحلیلی، اجتماعی، ترتیبی یا منضبط) برای شروع کار استفاده شود. و سپس برای سنین بالاتر، مهارت‌های تفکر نقادانه به‌خاطر قابلیت‌های خاص خود مانند رشد توانایی تحلیل و ارزیابی مورد توجه قرار گیرند. به‌طور خلاصه تفکر نقادانه یا اندیشه‌گرایی، روش‌های موثری هستند تا با شروع نوعی سفر اندیشه، از سطح تفکر روزمره یا عاداتی فراتر رفته و آگاهانه به‌سوی تفکر خردمندانه حرکت کنیم. هر چند آن‌ها برای خردمندی کافی نیستند، اما برای حرکت در این مسیر و خردگرایی افراد یا جامعه پاسخگو هستند. در جدول بعدی به برخی خصوصیات تفکر نقادانه و اندیشه‌گرایی اشاره شده است. برای تفکر نقادانه از الگوی فاسیونه [۱۴] و برای اندیشه‌گرایی از الگوی چهار ربعی [۷] استفاده شده و بررسی بیشتر ارتباط آن‌ها با خردمندی نیز قابل تحقیق است:

جدول ۲. مقایسه تفکر نقادانه و اندیشه‌گرایی

اندیشه‌گرایی، با الگوی فکری چهار ربعی (ناظم) Thinking Orientation, With Nazem's Thinking Model	تفکر نقادانه، با مهارت‌های شش‌گانه (فاسیونه) Critical Thinking, With Facione's Model	رویکرد فکری و خصوصیات
۴+۱ مولفه: تفکر خلاق، تفکر تحلیلی، تفکر اجتماعی، تفکر ترتیبی؛ توجه خاص به پرسشگری	۶ مولفه: تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنتاج، توضیح، خودتنظیمی	مولفه‌های اصلی
از مدرسه تا دانشگاه، برای اغلب دروس	دانشگاهی، برای برخی دروس	کاربرد آموزشی
ساده‌تر، دارای مدل تصویری	تخصصی‌تر، مدل مفهومی	قابلیت یادگیری
کودکان تا بزرگسالان	بزرگسالان	سنین مناسب
نسبی، موضوع تحقیقی	نسبی، موضوع تحقیقی	ارتباط با خردمندی

^۹ یک نمونه مدل گسترده‌تر برای تفکر نقادانه مدل پال و الدر (Paul-Elder) است، مدل کوچکتر R.E.D نیز وجود دارد.

^{۱۰} برای اندیشه‌گرایی با مفهوم مطرح شده، در حال حاضر فقط همین الگوی چهار ربعی به عنوان یک مدل اختصاصی و اصلی ارائه شده است. روش‌های دیگری هم قابل استفاده هستند، اما این الگو یک چهار چوب منسجم و مدون برای اندیشه‌گرایی است.

۳.۲. الگوی چهار ربعی و هوش مصنوعی

امروزه برای رشد و توسعه فکری می‌توان از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی هم استفاده کرد، اما این کار نیازمند نوعی چهارچوب فکری است و الگوی فکری چهار ربعی، کارایی مناسبی در این زمینه دارد؛ چون ساختار روشن و ساده‌ی این الگوی فکری، امکان مناسبی را برای استفاده از هوش مصنوعی فراهم می‌سازد. به‌طور نمونه علاقه‌مندان می‌توانند پرسش‌هایی را در رابطه با چگونگی رشد هر یک از چهار نوع تفکر، متناسب با نیازها و شرایط خود تدوین کرده و پاسخ برنامه‌های هوش مصنوعی را دریافت نمایند. این‌گونه پرسش‌ها می‌توانند برای سنین مختلف (کودکان تا بزرگسالان) یا محیط‌های مختلف (خانه و مدرسه، کار و دانشگاه) مطرح شود. به‌طور مثال؛ چگونه می‌توانیم در محیط خانواده، تفکر تحلیلی فرزندان را رشد دهیم؟ چه روش‌هایی برای رشد تفکر تحلیلی یا سایر انواع تفکر همراه با تدریس دُروس علمی وجود دارد؟ چگونه می‌توانیم تفکر اجتماعی خود را تقویت کنیم؟ تفکر اجتماعی چه کاربردهای مدیریتی دارد؟ ...

جدول ۳. نمونه جدول ثبت پرسش‌ها یا روش‌های رشد فکری، با الگوی فکری چهار ربعی

<p>(A) تفکر تحلیلی / منطقی:</p> <p>Analytical Thinking, Logical</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p>	<p>(D) تفکر خلاق / شهودی:</p> <p>Creative Thinking, Instuitive</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p>
<p>(B) تفکر ترتیبی / منضبط:</p> <p>Sequential Thinking, Structured</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p>	<p>(C) تفکر اجتماعی / بین فردی:</p> <p>Social Thinking, Interpersonal</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p>

ضمناً باید توجه داشت که فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، نوعی ابزار هستند که استفاده مناسب از آن‌ها نیازمند خرد انسانی است. بنابراین همانطور که به استفاده و کاربرد این‌گونه فناوری‌ها اهمیت داده می‌شود، باید به رشد خرد انسانی برای استفاده از آن‌ها نیز توجه موثر شود؛ در غیر این صورت ممکن است زندگی انسان دچار عواقب کاربرد نادرست فناوری شود. حتی افراد هوشمند هم پاسخگوی چنین نیازی نیستند و به افراد خردمند نیاز است. ساختارهای آموزشی در این زمینه باید نقش اصلی را داشته باشند و اگر پاسخگوی چنین نیازی نباشند، شخصی سازی آموزش‌ها می‌تواند به عنوان یک راه حل جبرانی استفاده شود. برای این‌هم اندیشه‌گرایی و الگوی چهار ربعی آن می‌تواند به عنوان یک چهار چوب نظری و عملی توسط خانواده‌ها استفاده گردد. امروزه برخی برنامه‌های هوش مصنوعی مانند گوگل (Gemini) قابلیت دسترسی و بررسی مقالات مختلف را دارند و می‌توان برای ارزیابی الگوهای فکری یا آموزشی و پیش بینی نتایج از آن‌ها کمک گرفت. برای این کار می‌توان نام الگو، مولفه‌های آن، همراه با معرفی مقاله شامل اطلاعات کافی در مورد الگو را به هوش مصنوعی داده و پرسش‌های مربوطه را مطرح کرد.

^{۱۱} کاربرد تخصصی الگوی چهار ربعی در زمینه آموزشی؛ در مقاله الگوی چهار ربعی برای آموزش و یادگیری تفکر محور مطرح شده است (رجوع به منابع).

۴.۲. اندیشه‌گرایی و کاربردهای اجتماعی

در این مقاله بیشتر از نگاه کاربردهای فردی به موضوع تفکر و اندیشه پرداخته شد. اما اندیشه‌گرایی به عنوان یک رویکرد فکری و الگوی چهار ربعی مربوطه، کاربردهای اجتماعی نیز دارند. از جمله می‌توان به مباحثی مانند آموزش اندیشه‌گرا، مدیریت اندیشه‌گرا و هنر اندیشه‌گرا اشاره کرد که جای بررسی مستقلی دارند. در کتاب تفکر نقاد و اندیشه‌گرایی، توضیحاتی در مورد آنها ارائه شده است [۷].

۵.۲. جمع بندی

برای پیشرفت و توسعه یک جامعه علاوه بر لایه‌های سخت افزاری، باید به لایه‌های نرم افزاری نیز توجه داشت. در این راستا می‌توان از روش‌های مناسب و نوین برای رشد و توسعه فکری در سطوح مختلف فردی و اجتماعی استفاده نمود. در این مقاله با اندیشه‌گرایی و الگوی چهار ربعی مربوطه شامل چهار تفکر (خلاق، تحلیلی، اجتماعی، ترتیبی) و توجه خاص به پرسشگری آشنا شدیم. با توجه به این الگوی فکری، چهار چوب مشخصی برای اندیشه‌گرایی به صورت شخصی، یا فراتر از آن فراهم می‌گردد.

جدول (۴) مرور مشخصات الگوی فکری چهار ربعی برای اندیشه‌گرایی

الگوی فکری چهار ربعی	
هدف اصلی	رشد و توسعه فکری، خردگرایی
اهداف عمومی	چهار خصوصیت (خلاقیت، عقلانیت، انسانیت، مدیریت) و پرسشگری
مولفه‌های اصلی	چهار تفکر (خلاق، تحلیلی، اجتماعی، ترتیبی) و پرسشگری
کارکرد	ارائه چهار چوب مشخص و مدون برای اندیشه‌گرایی، رشد و توسعه فکری
دامنه کاربرد	امکان کاربرد شخصی یا اجتماعی (خانه و مدرسه، کار و دانشگاه ...)
روش‌ها	قابل تحقیق و شخصی‌سازی، برای هر نوع تفکر

^{۱۲} مفهوم سازی برای واژه اندیشه‌گرایی و ارائه الگوی چهار ربعی آن در مقالات قبلی و کتابهای نگارنده صورت گرفته است. در این مقاله هم صرفاً به خلاصه برخی از نتایج مربوطه اشاره شده است (رجوع به منابع).



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



منابع:

- [1] استرنبرگ، رابرت، ترجمه درتاج و دانش پایه، فریبرز و مسلم، ۱۴۰۲. خرد و روانشناسی اندیشه‌ها، گفتار و کردار خردمندان، انتشارات ارجمند، تهران
- [2] اسعدی، سمانه و همکاران، ۱۳۹۲. مفهوم خردمندی در روانشناسی و کاربردهای آموزشی آن، رویکردهای نوین آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان، سال هشتم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۸، ص ۱-۲۸
- [3] باقری و بیرجندی، محمد و پرویز، ۱۳۹۶. جایگاه تفکر نقادانه در نظام آموزشی ایران، پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی، دوره ۷، شماره ۲
- [4] کرد نوقایی، رسول، ۱۳۹۸. روانشناسی خرد، انتشارات ارجمند، تهران
- [5] میرسندسی، محمد، ۱۳۹۸. کمیابی تفکر انتقادی در پیشینه فرهنگی ایران، پژوهشنامه انتقادی متون علوم انسانی، ش ۱۰
- [6] ناظم، محمد، ۱۳۹۹. کتاب نواندیشی و موفقیت، انتشارات کلید آموزش، تهران
- [7] ناظم، محمد، ۱۴۰۲. کتاب تفکر نقاد و اندیشه گرایی، انتشارات نقد فرهنگ، تهران
- [8] ناظم، محمد، ۱۴۰۰. مقاله الگوی چهار ربعی برای آموزش و یادگیری تفکر محور و اندیشه گرا، ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و آموزش و پرورش ایران (سایت سیویلیکا).
- [9] ناظم، محمد، ۱۳۹۹. مقاله اندیشه گرایی برای پیشرفت آموزشی و اجتماعی، پنجمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی ایران (سایت سیویلیکا).

- [10] Ardel, Monika, 2003. Empirical assessment of a three dimensional wisdom scale. *Research on Aging*, 25(3), 275-324
- [11] Baltes P. B. and Staudinger U. M, 2000. Wisdom: A metaheuristic to orchestrate mind and virtue towards excellence. *American Psychologist*, 55, 122-136
- [12] Sternberg. J, 1998. A balance theory of wisdom. *Review of General Psychology*, 2(4), 347-365
- [13] Sternberg, R. J, 2004. What is wisdom and how can we develop it? *Annals of American Academy of Political and Social Science*, 591, 164-74, 2004.
- [14] Facione, Peter, 2015. *Critical Thinking: What It Is and Why It Counts*. www.researchgate.net